

مهدی زارع از فردایان‌دهم تا هفدهم ژوئن ۲۰۲۶ سران گروه هفت در شهر اوپان-له‌بن فرانسه گرد هم می‌آیند. این نشست سالانه‌با‌حضور‌بهرن‌هفت‌اقتصاد‌جهان‌شامل‌ایالات‌متحده، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و بریتانیا به علاوه اتحادیه اروپا برگزار می‌شود. فرانسه برای دومین بار پس از سال ۲۰۰۳ میزبان این رویداد است، اما این بار پوتین به این کشور نمی‌رود. هم‌زمان پاریس تلاش دارد در این اجلاس بر کاهش عدم تعادل های اقتصادی جهانی تمرکز کند. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که تنش‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

■**بازگشت مرد کاوچران**

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این نشست با دوره‌های قبلی، بازگشت دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و سلطه سیاست آمریکا اول بر آن است. ترامپ پس از بازگشت به قدرت، رویکرد معامله‌محور خود را تقویت و نشست را به فضایی پر از عدم اطمینان تبدیل کرده است. او بلافاصله پس از برگزاری مراسم تولد خود در چهاردهم ژوئن با رویداد قهرمانی هنرهای رزمی، به نشست می‌آید و ممکن است در حال و هوای تهاجمی باشد. ترامپ احتمالاً از متحدان اروپایی به خاطر حمایت ناکافی پس از بسته شدن تنگه هرمز توسط ایران انتقاد خواهد کرد و مطالبه‌هایی در زمینه تعرفه‌ها، کاهش کسری تجاری و افزایش فشار بر ایران مطرح می‌کند. این رویکرد، هماهنگی درون گروه را سخت‌تر کرده و بسیاری از تحلیلگران آن را به صورت ۶ به علاوه یک توصیف می‌کنند.

■**بحران هرمز؛ زخم تازه بر بیکر اقتصاداروپا**

تأثیر جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران و بحران ناشی از آن، تفاوت بارز دیگر این اجلاس با نشست‌های پیشین است. حمله ایالات متحده و اسرائیل به ایران در اواخر فوریه و پاسخ تهران با بستن تنگه هرمز، شوک‌های انرژی، زنجیره تأمین و کالایی ایجاد کرده که اقتصاد جهانی را مختل کرده است. افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، نگرانی درباره تأمین کود و امنیت غذایی و فشار تومی جدید، دستور کار نشست را تحت تأثیر قرار داده است. کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان و ایتالیا بیشترین آسیب را دیده‌اند و رشد اقتصادی‌شان کندتر شده است. هر چند شرکت‌های بزرگ انرژی در ایالات متحده از صادرات انرژی سود می‌برند اما خانوارهای آمریکایی نیز زیر فشار هستند. این بحران‌ها، نشست را از تمرکز اولیه فرانسه بر تعادل های

نشست جی ۷ در حالی امروز آغاز می‌شود که قاره سبز از هر زمانی بیشتر مشکلات اقتصادی دارد

جی ۷ در منگنه ترامپ و جنگ‌هایش



اقتصادی به سمت مسائل امنیتی و انرژی سوق داده است.

■**مکرون و ترامپ؛ هم‌گرایی محدود، اختلاف عمیق**

دونالد ترامپ با دستور کار آمریکا اول وارد می‌شود که شامل رویکردهای معامله‌محور در شرکات‌های توسعه‌ای، فرصت‌های تجاری بیشتر برای شرکت‌های آمریکایی، گسترش فناوری ایالات متحده و هوش مصنوعی، کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین تحت کنترل چین و افزایش تولید سوخت فسیلی است. در برخی زمینه‌ها مانند تقویت امنیت اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری در زنجیره‌های تأمین حیاتی، اولویت‌های ترامپ با اهداف فرانسه همپوشانی دارد. هر دو طرف بر کاهش وابستگی استراتژیک تأکید دارند و موضوع هوش مصنوعی نیز فرصت همکاری ایجاد

کرده است. با این حال، در بیشتر مسائل فراتر از دستور کار رسمی، اختلافات جدی وجود دارد. حمایت از اوکراین، تجارت، حاکمیت دیجیتال، مقررات و سیاست آب‌وهوا از موضوعاتی هستند که اعتماد کاهش یافته به ایالات متحده را نشان داده و عضو دیگر را

به هماهنگی بیشتر با یکدیگر سوق می‌دهد.

فرانسه ریاست نشست را بر عهده دارد و تلاش کرده دستورکاری متمرکز بر کاهش عدم تعادل های کلان اقتصادی، تقویت امنیت اقتصادی، زنجیره‌های تأمین مواد معدنی حیاتی، اصلاح شرکات‌های توسعه‌بین‌المللی و همکاری در زمینه هوش مصنوعی تدوین کند. امانوئل مکرون حتی نشستی ویدئویی با حضور نمایندگان چین، گروه هفت و دیگر کشورها برای بحث درباره تعادل‌های جهانی برگزار خواهد کرد. اما رویدادهای ژئوپلیتیک

نتایج اولیه یک همه‌پرسی در سوئیس نشان می‌دهد مردم این کشور کنترل جمعیت را دوست ندارند

نه به «سوئیس ۱۰ میلیونی»

گذشته – به‌که‌شورهای‌عضو‌اتحادیه‌اروپا‌انجام‌می‌شود.

در صورت تصویب طرح، دسترسی سوئیس به بازار اروپا به خطر می افتاد، همکاری در چارچوب شنگن مختل می شد و هزاران شرکت سوئیسی با کمبود شدید نیروی کار متخصص روبه‌رو می شدند. بخش‌هایی مانند هتلداری (بیش از ۵۰ درصد کارکنان خارجی)، پزشکی، فناوری پیشرفته، صنعت و ساخت‌وساز بیشترین آسیب را می دیدند. دولت سوئیس، احزاب میانه‌رو و اتاق‌های بازرگانی بزرگ از همان ابتدا هشدار داده بودند اجرای این طرح می‌تواند به اقتصاد سوئیس ضربه‌ای سنگین وارد کند. رد شدن این پیشنهاد، فعالیتش با بروکسل را کاهش داد و روابط تجاری و مهاجرتی سوئیس با اتحادیه اروپا را حفظ کرد. با این حال، حزب راست‌گرای مردم سوئیس اعلام کرده بحث درباره کنترل مهاجرت و رشد جمعیت را ادامه خواهد داد و ممکن است در آینده دوباره آن را به همه‌پرسی بگذارد.

دولت سوئیس وبخش اقتصادی، این نتیجه را پیروزی عقلا‌نیت و حفظ منافع ملی دانستند. با وجود رد شدن طرح، فشار بر مسکن، خدمات عمومی و محیط زیست به دلیل رشد جمعیت همچنان وجود دارد و دولت باید راحل‌های متعادل‌تری برای مدیریت مهاجرت پیدا کند.

این همه‌پرسی بار دیگر نشان داد سوئیس در تقاطع دشوار میان کنترل مرزها و حفظ روابط حیاتی با بزرگ‌ترین شریک تجاری اش قرار دارد. نتایج این رأی‌گیری می‌تواند برای دیگر کشورهای اروپایی که با چالش‌های مشابه روبه‌رو هستند، الگویی مهمی باشد.

■**نیک‌پندار | شهروندان سوئیس روز گذشته (۲۴ خرداد) در یک همه‌پرسی حساس، طرح جنجالی «نه‌به‌سوئیس ۱۰ میلیونی» را رد کردند.** این تصمیم پیش از هر چیز در واقع مانع ایجاد درگیری جدی و فوری میان سوئیس و اتحادیه اروپا شد. براساس نتایج اولیه و موقت اعلام‌شده، حدود ۵۳ تا ۵۵ درصد از رأی‌دهندگان به طرح رأی منفی دادند و تنها ۴۵ درصد با آن موافق بودند. مشارکت در این همه‌پرسی حدود ۵۷ درصد ثبت شد. نتایج نهایی رسمی در ساعات آینده تأیید خواهد شد، اما روند فعلی نشان می‌دهد طرح حزب راست‌گرای مردم سوئیس شکست‌خورده است.

این ابتکار که توسط حزب راست‌گرا پیشنهاد شده بود، می‌خواست جمعیت دائمی سوئیس را تا سال ۲۰۵۰ به کم‌تر از ۱۰ میلیون نفر محدود کند. در حال حاضر جمعیت این کشور حدود ۹٫۱ میلیون نفر است که ۲۷ درصد آن را افراد غیرشهروند تشکیل می‌دهند. طرح در صورت رسیدن جمعیت به ۹٫۵ میلیون نفر، محدودیت‌های شدیدی بر مهاجرت، پناهندگی و الحاق خانوادگی اعمال کرده و مهم‌تر از همه، در صورت رسیدن به ۱۰ میلیون نفر، سوئیس را ملزم به لغو توافق آزادی رفت‌وآمد با اتحادیه اروپا می‌کرد.

■**ریسک بزرگ درگیری با اتحادیه اروپا**

لغو توافق آزادی حرکت (توافق سال ۱۹۹۹) مهم‌ترین نقطه تنش احتمالی بود. سوئیس با وجود عدم عضویت در اتحادیه اروپا، از طریق این توافق و سایر قراردادهای دوجانبه به بازار واحد اروپا دسترسی کامل دارد. بیش از نیمی از صادرات سوئیس – به ارزش بیش از ۱۴ میلیارد فرانک سوئیس در سال

بر آن داشته تا آن‌را خطرناک و مخالف با ثبات منطقه‌ای ارزیابی کنند.

■**چراغ سبز آمریکا نیاز داخلی نتانیا‌هو**

ایالات متحده با وجود میانجی‌گری‌های متعدد و ابراز نارضایتی از ادامه درگیری‌ها، تاکنون تمایل جدی به مهار کامل اسرائیل نشان نداده است. این عدم تمایل که ریشه در روابط استراتژیک عمیق دو طرف دارد، به اسرائیل فضای مانور بیشتری داده تا عملیات خود را گسترش دهد. از سوی دیگر، بنیامین نتانیا‌هو و حزب حاکم او با چالش‌های سیاسی داخلی جدی روبه‌رو هستند. ادامه درگیری‌ها در لبنان، برای نخست‌وزیر اسرائیل که با فشارهای انتخاباتی و نیاز به حفظ ائتلاف راست‌گرا مواجه است، به‌مثابه‌ابزاری برای تقویت موقعیت داخلی عمل می‌کند. منتقدان معتقدند این نیاز مبرم به تداوم درگیری‌ها، اولویت‌های سیاسی داخلی را بر ملاحظات دیپلماتیک و انسانی ترجیح داده و خطر تبدیل شدن به یک درگیری فرسایشی طولانی مدت را افزایش می‌دهد.

در مجموع، رویکرد اسرائیل در افزایش تنش‌های جنوب لبنان، هرچند با دروغ‌های امنیتی توجیه می‌شود، اما پیامدهای گسترده‌ای بر ثبات منطقه، روند‌های دیپلماتیک و وضعیت انسانی داشته است. ادامه جنایت‌های اسرائیل در جنوب لبنان در حالی اتفاق می‌افتد که جامعه جهانی عملاً چشم و گوشش را بسته و با مشغول لذت بردن از مسابقات جام جهانی فوتبال است، آن‌هم در شرایطی که حدود ۲ میلیون نفر در غزه و یک میلیون نفر در جنوب لبنان آواره شده‌اند.

گزارش

اخبار و گزارش‌ها نشان می‌دهد رویکرد پایدار اروپا در جنگ اوکراین، تخریب زیرساخت‌های انرژی روسیه به کمک پهپادهاست

تکمیل تحریم‌های روسیه با یگان پهپادی

■**تأثیرات اقتصادی و عملیاتی**

حملات پهپادی اوکراین سبب کاهش قابل توجه ظرفیت پالایش روسیه شده است. در ماه می ۲۰۲۶، تولید بنزین و دیزل حدود ۱۰ درصد افت کرده و کمبود سوخت در برخی مناطق جنوبی، از جمله کریمه و حتی بخش‌هایی از روسیه گزارش شده است. مقامات روسی محدودیت‌هایی بر صادرات سوخت اعمال کرده‌اند و وزارت انرژی این کشور مستقیماً حملات پهپادی را عامل این اختلالات دانسته است. صادرات نفت خام از بنادر غربی روسیه نیز تحت تأثیر قرار گرفته و مسکو برای جبران، بخشی از تولید را به بازار داخلی هدایت کرده است. به همین دلیل است که می‌توان ادعا کرد یگان‌های پهپادی اروپا که از آستین اوکراین بیرون می‌آیند در حقیقت حلقه تکمیلی دیپلماسی تحریم این قاره علیه روسیه هستند.

از منظر نظامی، کاهش سوخت پالایش شده بر لجستیک نیروهای روسی در جبهه تأثیر گذاشته و هزینه‌های تعمیر و نگهداری تأسیسات آسیب‌دیده، بار مالی سنگینی بر اقتصاد روسیه تحمیل کرده است.

■**جنبه‌های زیست‌محیطی**

آتش‌سوزی‌های مکرر در پالایشگاه‌ها و پایانه‌ها منجر به انتشار حجم زیادی دود و مواد آلاینده شده است. تصاویر ماهواره‌ای از ستون‌های دود قابل مشاهده از فاصله‌های دور خبر می‌دهند که علاوه بر مخاطرات محلی، نگرانی‌هایی درباره آلودگی هوا و آب در مناطق اطراف ایجاد کرده است. با وجود این، گزارش‌ها از کنترل نسبی نشت مواد نفتی به محیط‌های آبی حکایت دارند، هرچند خطر‌های بلندمدت همچنان وجود دارد.

■**واکنش‌ها و اظهارات طرفین**

مقامات اوکراینی این حملات را بخشی از دفاع مشروع و تلاش برای تضعیف ماشین جنگی روسیه توصیف کرده‌اند. در مقابل، روسیه این عملیات را تروریستی اعلام کرده و قول تقویت دفاع هوایی و پاسخ متناسب داده است. تحلیلگران بین‌المللی این کمپین را نمونه‌ای از جنگ نامتقارن می‌دانند که در آن، اوکراین با فناوری پهپاد، برتری عددی روسیه را در برخی حوزه‌ها خنثی می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی نیز بر ضرورت رعایت قوانین جنگ و حفاظت از تأسیسات غیرنظامی تأکید کرده‌اند.

۰٫۶ تا ۰٫۸ درصد رشد دارند. تولید ناخالص داخلی اسمی ایالات متحده حدود ۳۲ تریلیون دلار است که فاصله تاریخی بزرگی با دیگران ایجاد کرده است. آلمان حدود ۵٫۵ تریلیون، ژاپن ۴٫۴ تریلیون، بریتانیا ۴٫۳ تریلیون، فرانسه ۳٫۶ تریلیون، ایتالیا ۲٫۷ تریلیون و کانادا ۲٫۵ تریلیون دلار است. این نابرابری، ترامپ را به شکایت از کسری تجاری ناعادلانه و مطالبه سهم بیشتر اروپا در هزینه‌های امنیتی وادار خواهد کرد.

با وجود این، ذکر این نکته لازم است که حجم تجارت درون گروه هفت قابل توجه است و آمار دقیق آن معمولاً با اتحادیه اروپا ترکیب می‌شود. تجارت داخلی گروه هفت به علاوه اتحادیه اروپا حدود ۶۵ درصد از کل تجارت این بلوک را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده وابستگی بالا به بازارهای خودی است. با این حال، سهم کلی تجارت درون گروه از تجارت جهانی حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد بوده و حجم آن در محدوده چند تریلیون دلار قرار دارد. این تجارت در مقایسه با رقبا همچنان قدرتمند است اما رشد کندتر درون گروه هفت نسبت به بلوک‌های نوظهور، چالش‌هایی ایجاد کرده است.

■**بریکس در کمین**

چالش دیگر این است که رقبای گروه هفت به‌ویژه بریکس در وضعیت روبه‌رشدی قرار دارند. بریکس با ۱۱ عضو، رشد متوسط ۳٫۷ درصد در سال ۲۰۲۶ را تجربه می‌کند در حالی که رشد گروه هفت بسیار کندتر است. سهم بریکس از اقتصاد جهانی به حدود ۴۰ درصد رسیده و تجارت داخلی و نفوذش در جنوب جهانی در حال افزایش است. هند با رشد حدود ۶ درصد و چین با حدود ۴٫۱ درصد لکوموتیوهای این بلوک هستند. چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان عضو بریکس است و غرب به‌شکلی کامل‌استی اغلب مانع ادغام این کشور با اقتصاد جهانی می‌شود.

مرکوسور در آمریکای جنوبی بیشتر منطقه‌ای عمل می‌کند و رشد متوسطی دارد. قدرت‌های میانی مانند هند، استرالیا و کره جنوبی گاهی به نشست‌های گروه هفت دعوت می‌شوند اما بریکس رقیب اصلی در ایجاد نظم چندقطبی جایگزین است.

هرچند گروه هفت هنوز در زمینه قدرت مالی، فناوری و نفوذ جهانی برتری دارد اما انسجامش تحت فشار ترامپ و شوک‌های خارجی مانند بحران ایران کاهش یافته است. این نشست می‌تواند نقطه عطفی برای مدیریت شکاف‌ها باشد اما نتیجه نهایی به تعاملات ترامپ با مکرون و دیگر سران بستگی دارد. انسجام باقی‌مانده گروه هفت به‌عنوان بستری برای هماهنگی اقتصادهای پیشرفته همچنان ارزشمند است و حفظ آن برای ثبات جهانی ضروری به نظر می‌رسد.